

آریا عظیمی نژاد در ۷ فصل پایتخت چه کاری انجام داد؟

قصهٔ ملی، موسیقی ملی



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی حمید‌رخشانی پشت‌دوربین فیلم‌سینمایی «شب‌بست‌ونهم» قرارگرفت تاثری در زانر وحشت بسازد کمتر کسی این فکر به‌ذهنش خطور می‌کرد که یک اثرآر سینمایی پس از انقلاب ایران بتواند این گونه‌سینمایی را با مختصات فرهنگ ایرانی جفت‌وجور کند، اما رخشانی توانست از پس این کار برآمده و فیلمی استاندارد بسازد تا بقیه‌هم متوجه‌این قضیه‌شوند که می‌شود برای ایرانی جماعت باتوجه به معیارهای سنتی فرهنگش فیلمی ساخت که در القای حس ترس موفق عمل کند. با بخش فصل هفتم مجموعه تلویزیونی پایتخت، نگاه اغلب مردم به این سریال جلب‌شد و آن‌ها در یافتند که می‌توانند برای تماشای موقعیت‌های طنازانه از حريم امن آثاری که وقایع آن‌ها در تهران می‌گذرد عبور کنند و برای مدت زمان کوتاهی هم که شده به شمال ایران و «شیرگاه» بروند و به اتفاقات ریز و درشت زندگی خانواده «معمولی» بختندند. اما این فقط عوامل جلوی دوربین نبودند که کارشان را تقریباً به‌شکلی ثر مال و استاندارد به پایان رساندند، بلکه «آریا عظیمی نژاد» به‌عنوان یکی از دیر پا ترين همکاران این مجموعه نیز کاملاً در خدمت حس و حال جاری در پایتخت بود و کار ساخت موسیقی متن برای این سریال را در قامت تجربه‌ای نسبتاً متفاوت به سامان رساند؛ متفاوت از این بابت که پیشتر همکاران این آهنگ ساز از گذشته تا کنون سعی می‌کنند کار خود را بیشتر بر اساس مودها و مدل‌های غربی پیش ببرند و علاقه‌ای به استفاده از ظرفیت‌های بومی موسیقی ایران ن‌دارند. دستاورد آریا عظیمی نژاد را از این بابت می‌توان از حمید رخشانی در سینمای ایران مقایسه کرد. رخشانی برای ساختن یک «هارور ایرانی» و عظیمی نژاد برای خلق موسیقی متن یکی از سریال‌های مهم رسانه ملی از امکان‌هایی بهره بردند که کمتر کسی خودش را برای انجام این امور به زحمت می‌اندازد. در گزارش پیش رو تصمیم داریم تا و نگرش متفاوت او نسبت به مقوله موسیقی متن اشاره کنیم.

■ ■ ■

■ **شیطان برقرار پشت بام**

هنگامی که کارنامه هنری آریا عظیمی نژاد را مرور می‌کنیم، با طیف قابل توجهی از آثار روبه‌رو می‌شویم که تصور حفظ کیفیت کاری برای آهنگسازی که اکنون وارد ۵۲ سالگی خود شده، جالب به نظر می‌رسد. او هم در وادی ساخت موسیقی متن برای فیلم‌ها، سریال‌ها، آثار شبکه نمایش خانگی، نماهنگ‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و… تجربه‌های گران، ارزشمند و مهمی به دست آورده و هم در بُعد خلق و تنظیم ملودی برای خوانندگان، آهنگسازی استخوان خُرد کرده محسوب می‌شود. مخاطبان مردمی او، اما، آریا عظیمی نژاد را با خلق موسیقی متن سریال مناسبی «او یک فرشته بود» می‌شناسند و به یاد می‌آورند. در دهه ۷۰ و دنبال آن در دهه ۸۰ با فراهم شدن شُسرابط، موسیقی در تلویزیون شکل جدی‌تری به خود گرفت و راه‌موزیسین‌های جوان به دالان‌ها و استودیوهای جام‌چم باز شد. آریا عظیمی نژاد هم یکی از همان جوان‌ها بود که در دهه ۸۰ کارش را در این زمینه آغاز کرد، ولی رفته‌رفته به دلیل نقش بسُتن اسمش در تیتراژهای آثار پُر مخاطب صداوسیما در میان مردم کوچه و بازار شناخته‌شد. حضور مایه‌های ژانر وحشت در مجموعه تلویزیونی «او یک فرشته بود» باعث شد تا ساخت موسیقی متن این سریال با دقت فراوانی از طرف آریا عظیمی نژاد صورت بگیرد. چون تا سال ۱۳۸۴ تقریباً هیچ کاری شبیه به این مجموعه در صداوسیما ساخته نشده بود. عظیمی نژاد با استفاده از ساز ایرانی «کمانچه» و تلفیق آن با «سینتی‌سایزر» و استفاده از صدای کُر در ساخت «فضا» بسیار موفق عمل کرد و توانست تماشای عنوان‌بندی (تیتراژ) در تلویزیون را برای بیننده –که تا آن سال در بیشتر اوقات با صدای خواننده همراه بود– به تجربه لذت‌بخش و وهم‌الودی تبدیل کند. کاری که عظیمی نژاد در «او یک فرشته بود» با فواصل موسیقی ایرانی انجام داد، تنها چند سال بعد در پایتخت به کارش آمد و توانست گوش‌ها را به شنیدن نتیجه عملکرد خود فریادخواند.

■ **پایتخت ۱**

فصل اوّل سریال پایتخت در نوروز ۱۳۹۰ نگاه‌ها را به سمت خود دوخت و به یکی از نقاط عطف تلویزیون در سال‌های پایانی مدیریت عزت‌الله ضرغامی بدل شد. اما پیش از هر چیز، این موسیقی متن عنوان‌بندی نخست این سریال بود که بسیار در نظر مخاطبان جلب توجه می‌کرد. در واقع، امتزاج و همپوشانی موسیقی پایتخت با تصاویر تیتراژ باعث می‌شد تا تماشاگر بتواند به پیش‌زمینه لازم برای تماشای اثر جدید رسانه ملی دست پیدا کند و با ایده کلی قصه خو بگیرد. آریا عظیمی نژاد در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر از شروع کارش در پایتخت و نقش وی در جغرافیایی که ماجرای اصلی در آن می‌گذرد، گفت: «روز اوّل که در باره پایتخت صحبت شد، قرار بود موضوع این سریال حول خانواده‌ای باشد که از شهرستان و پس از اتفاق‌های بسیار به تهران می‌آیند. بحث بر سر این بود که این خانواده اهل کجا باشند؛ من سیستان و علی‌آباد کنترول را پیشنهاد دادم که در نتیجه علی‌آباد و گلستان انتخاب شد. در ابتدا ما از موسیقی کنترولی بهره بردیم، اما محدودیت‌هایی در این موسیقی داشتیم که باعث شد به سمت مازندران و موسیقی محلی این استان حرکت کنیم.» در همین راستا، از «سیدمطلب حسینی» و «سیدحسن حسینی» به‌عنوان دو تن از خوانندگان موسیقی کنترولی (موسیقی نواحی شرق مازندران) دعوت به عمل آمد تا آن‌ها براساس تم‌های شناخته شده مازندرانی و طیفه خوانندگی پایتخت در فصل اول آن را با هدایت آریا عظیمی نژاد برعهده بگیرند. براساس گفته‌های آهنگساز پایتخت، ظرفیت‌های موسیقی کنترولی محدود بود و آن‌ها نمی‌توانستند در مسیر ساخت فضا برای ماجرای خانواده نفی معمولی و بسط و گسترش قصه با توجه به ظرفیت‌های دراماتیک در فصل‌های بعد، تنها به موسیقی این بخش از طبرستان اکتفا کنند؛ در همین مبنای بود که با ادامه سریال در فصل‌های بعد، پای مودها، ملل‌ها و تم‌های شناخته‌شده موسیقی ایرانی به پایتخت باز شد.

■ **پایتخت ۲**

استفاده از صدای سیدمطلب حسینی در فصل‌های دوم، سوم، چهارم و پنجم پایتخت هم به فراخور نیازهای دراماتیک سریال در بزنگاه‌هایی ادامه پیدا کرد، اما ورود به فصل دوم پایتخت و مسافرت خانواده معمولی به جنوب، باعث شد تا موسیقی محلی مردم جنوب هم در هم آوایی با طنین خوش آواهای محلی شنیده شود و در حاشیه و زیر سایه نیز باقی نماند. در همین راستا بود که قنبر راستگو و علی عرب، آوازخوانان شمالی، چون سید حسن حسینی، سیدمطلب حسینی، محمدرضا اسحاقی گرجی و زنده‌یاد ارز مزن شکارچیان را همراهی کردند و در قالب قطعات مختلف به کمک سریال آمدند. موسیقی هوشمند آریا عظیمی نژاد در پایتخت به هیچ‌وجه زینت‌المجلس و دکوری نبود و او با هدف کمک به ساخت موقعیت، درصدد شناساندن موسیقی ملی ایران به نسل‌های جدید و قدیمی بود که آشنایی چندانی با سازهای ایرانی نداشتند، چر سده به اینکه بتوانند از زبان آوازخوان میان لهجه‌ها و گویش‌های متفاوت تمایز قائل شوند؛ این هدف ثانویه عظیمی نژاد بود که به‌خوبی محقق شد و این آهنگساز توانست کارش را به خوبی و خوشی به سرانجام برساند. در این بین، نباید نقش هوشنگ جاوید به‌عنوان پژوهشگر موسیقی نواحی و آیینی ایران را در فصل دوم سریال پایتخت فراموش کنیم. او با معرفی دو قطعه از ارز مزن و زمان شکارچیان به کمک عظیمی نژاد آمد و در مسیر شناساندن موسیقی شرق مازندران به آهنگساز «میم مثل مادر» کمک کرد. مردم مازندران از خانواده کنکارچیان به‌عنوان روایان موسیقی «گداری» یاد می‌کنند؛ موسیقی‌ای که از مرکز استان تا غرب گلستان جریان دارد و این خانواده همچنان بر ادامه حیات آن اصرار می‌ورزند.

■ **پایتخت ۳**

«یکی از اتفاق‌های مهم در این مجموعه (پایتخت)، بخش موسیقی است تا بتوانیم ریشه‌های موسیقی اصیل ایران را در قالب این سریال به مخاطب معرفی کنیم.» آریا عظیمی نژاد این عبارات را وقتی به زبان آورد که مردم دیگر حساسی با ترانه‌ها و موسیقی متن و تیتراژ پایتخت عادت کرده بودند و حضور این آهنگساز و نواحی

محمدعلی مرآتی، پژوهشگر موسیقی نواحی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

نوآوری‌های آریا عظیمی نژاد در موسیقی فیلم، قابل توجه است



مریم فضائی خبرنگار گروه فرهنگ

اهمیت موسیقی در آثار نمایشی همواره مورد توجه کارشناسان این حوزه بوده است. موسیقی می‌تواند نقش مؤثری در القای احساسات، فضاسازی و انتقال مفاهیم در فیلم و سریال ایفا کند؛ گاه جای دیالوگ را می‌گیرد و گاه در سکوت‌های معنادار، عمیق‌ترین لایه‌های احساس را به مخاطب منتقل می‌کند. سریال «پایتخت» از جمله آثاری است که با بهره‌گیری از موسیقی بومی و محلی توانسته پیوندی عاطفی میان خود و مخاطبانش برقرار کند. در این سریال به شکلی ملموس قصهٔ خانواده‌ای روایت می‌شود که بسیاری از بینندگان می‌توانند خود را در آن بازشناسند؛ خواه در نقش پُسرِی که احساس می‌کند آرزوهایش بر باد رفته، خواه در جایگاه همسری که با وجود تمام سختی‌ها، همچنان حامی خانواده است. سکوت‌ها، اشک‌ها و دیالوگ‌های ساده اما عمیق شخصیت‌ها، همراه با موسیقی‌ای که به‌خوبی با حال‌وهوای داستان هماهنگ شده، تجربه‌ای آشنسنا و تأثیرگذار برای مخاطبان به وجود آورده است. به همین بهانه و برای بررسی بیشتر نقش موسیقی محلی شمال کشور و نحوهٔ استفاده از آن در سریال «پایتخت»، گفت‌وگویی داشتیم با محمدعلی مرآتی، پژوهشگر موسیقی نواحی و کارشناس موسیقی فولکلور ایران.

■ **اهمیت موسیقی**

مرآتی در پاسخ به پرسشی دربارهٔ اهمیت موسیقی در فیلم و سریال، گفت: «ببینید، این موضوع تا حدی بدیهی است. در واقع یکی از باندهای صدای فیلم، باند موسیقی است. صدای فیلم سه مؤلفه اصلی دارد: افکت، دیالوگ و موسیقی. این سه عنصر با یکدیگر تعامل دارند؛ گاهی موسیقی به‌جای دیالوگ می‌نشیند، بسته به نگاه هنری سازندگان اثر. در مجموع این سه مؤلفه یعنی افکت، دیالوگ و موسیقی نقش‌های متفاوت اما مکملی را ایفا می‌کنند.» مرآتی در ادامه افزود: «هر یک از این عناصر اهمیت خاص خود را دارند و میزان استفاده از آن‌ها بستگی به سلیقه و توانایی کارگردان دارد که با آهنگساز همکاری می‌کند. موسیقی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه در دورهٔ معاصر، گاهی جای دیالوگ‌ها را در سکوت‌های فیلم می‌گیرد، فضاسازی انجام می‌دهد و می‌تواند مضمون و کانتکس اصلی ماجرا را منتقل کند.»

دلشین ملودی‌های او را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سریال قلمداد می‌کردند. در فصل سوم پایتخت، سودای قهرمانی مسابقات کُشتی پیشکسوتان جهان حسایی هوش از سر نفی می‌برد و باعث می‌شود تا او برای حضور در این بازی‌ها سر از تهران بیاورد. موسیقی در این فصل هم مانند فصل‌های قبل و پس از خود کاملاً در خدمت قصه است و در مسیر پرداخت شخصیت و موقعیتی که افراد در آن‌ها قرار می‌گیرند به ایفای نقش می‌پردازد. در این فصل، آریا عظیمی نژاد علاوه بر استفاده از صدای محمدرضا اسحاقی گرجی در ترانه عروسی در سفر دارم خدایا، با دعوت از سیدعباد محمّدی رنگ‌وروی دیگری به اثر می‌بخشد؛ به‌طوری‌که پژواک پُر طنین صدای خوش آهنگ این خواننده در قسمت‌های پایانی مجموعه و در بخش‌های مربوط به مسابقات کُشتی در یاد مخاطبان می‌ماند. عباد محمّدی موسیقی را از سال ۱۳۷۰ با ناخن سازهای کو به‌ای همچون «دف» و «تقاره» آغاز کرد و در ادامه با خوانندگی اش به شهرت رسید. ملودی آریا عظیمی نژاد هارمونی ویژه‌ای با صدای محمّدی برقرار می‌کرد و در نتیجه باعث می‌شد تا انتقال حس به مخاطب کار چندان سختی به‌نظر نرسد. از این‌ها گذشته، تلفیق ملودی ترجیح‌پند قطعه «می‌خواهم پرواز کنم» در فیلم سینمایی «راکی» از ساخته‌های مطرح آهنگساز آمریکایی «بیل کانتی» با صدای «عباد محمّدی» از نکات قابل توجه موسیقی متن سریال پایتخت در فصل سوم آن بود.

■ **پایتخت ۴**

در طولانی‌ترین فصل مجموعه تلویزیونی پایتخت، یعنی فصل ۴، «سیدعباد محمّدی» و «محمدرضا اسحاقی گرجی» بار موسیقی متن اثر را به دوش کشیدند و کار را جلو بردند. فصل چهارم پایتخت از محل سکونت نفی، ارسطو و خانواده‌شان فراتر رفت و داستان در همان شمال پیش رفت، به همین خاطر هم بود که نیم موسیقی و در رأس آن، آریا عظیمی نژاد حداقل بر روی کاغذ کار راحتی را برای جلو بردن پروژه خود در پیش داشتند. نقش اُستاد «محمدرضا اسحاقی گرجی» اما در این فصل همانند فصل سوم پُر رنگ بود و او با دو قطعه «بانوجان» و «نازنین از عشق مُردم» به همراهی گروه پایتخت شتافت. اسحاقی گرجی از دو تارتارواژان مشهور مازندران و تنها خنیاگران باقی‌مانده در این منطقه است که بار سخت موسیقی مقامی مازندران را به دوش می‌کشد و کارش را پیش می‌برد. این هنر مند اکنون در شهر بهشهر به معرفی موسیقی محلی خطه خود مشغول است تا علاقه‌مندان بتوانند در ادامه راه او را پی بگیرند و به حلقه راوایان هنر موسیقی مازندران و همچنین مقام خروانان پیوندند.

■ **پایتخت ۵**

فصل پنجم سریال پایتخت، آغاز مسافرت دوباره ارسطو، نفی، هما، بابابنجعلی، بهناش و… به جایی دور از شیرگاه و علی‌آباد بود. این خانواده این بار در ترکیه و سپس در سوریه حاضر شدند و یکسوم پایانی سریال طعم گلاویز شدن با داعش را هم چشیدند. فصل پرتش، مهیج و سرگرم‌کننده پنج‌سبب شد تا آریا عظیمی نژاد دست به کار شود و به تولید موسیقی جدید بر مبنای تم مشترک فصل‌های پیشین بپردازد؛ او در این باره گفت: «در «پایتخت ۵» خانواده نفی معمولی به ترکیه سفر کردند. من با موسیقی مناطق مختلف این کشور آشنا هستم و به همین دلیل برای موسیقی فصل پنجم، از موزیک ناحیه «کارادیز» استفاده کردم. این موسیقی شباهت زیادی به موسیقی مازندران دارد. وقتی با چند نفر از نوازندگان کارادیز آشنا شدم، از آن‌ها خواستم تا برایم ساز بزنند. هنگامی که صدای ساز آن‌ها را گوش کردم، به این فکر فرو رفتم که آن‌ها می‌توانند دستم را بخوانند. این نوازندگان می‌دانستند که چه چیزی از آن‌ها می‌خواهم. اما دلیل شباهت موسیقی کارادیز به موسیقی کنترولی و مازندرانی به‌جز قرار گرفتن هر دوی این منطقه‌ها در نزدیکی دریا چه بود؟ وقتی در باب فرهنگ موسیقی کارادیز صحبت می‌کنیم، اولین مسئله‌ای که به‌ذهنمان راه پیدا می‌کند، آن است که «کمانچه» همچون موسیقی کنترولی و مازندرانی جزء «ارکان اصلی سازبندی این گونه از موسیقی به‌شمار می‌رود. در بیشتر ترانه‌هایی که فرهنگ و خاطره موسیقی منطقه کارادیز را شکل می‌دهند، از «تولوم» و «کمانچه» به‌عنوان ساز محوری استفاده می‌کنند. یکی دیگر از نکات ویژه این فصل، حضور «حمیدرضا کره‌شوند» به‌عنوان خواننده تیتراژ پایانی سریال بود. این خواننده پیش‌تر در فصل قبل و دو پایتخت در

فره‌یختگان: «فره‌یختگان»:

پایتخت که موقعیت‌های متنوع و شرایط مختلفی را در بر می‌گیرد، صحبت کرد و گفت: «در آهنگسازی برای یک منطقه خاص، این چالش همواره وجود دارد. یعنی باید دو نوع مخاطب را راضی نگه داشت؛ نخست مردم خود منطقه که باید از آن‌ها جامعه‌آماری گرفته شود یا از نخبگان‌شان پرسیده‌شود که آیا موسیقی حق مطلب را ادا کرده‌است یا خیر؛ و دوم مخاطبان عمومی‌تر، مانند کسانی که در تهران یا سایر مناطق کشور موسیقی را می‌شنوند. در موسیقی فیلم، چالش اصلی این است که موسیقی باید در خدمت تصویر باشد و اکث‌های بازیگران را همراهی کند؛ بنابراین تصور موسیقی فیلم به‌عنوان یک موسیقی اصیل نواحی اشتباه است. آهنگساز باید بتواند هم جذابیت موسیقی بومی را حفظ کند و هم نیازهای فیلم را پاسخ دهد. از منظر من آقای عظیمی نژاد در این زمینه موفق عمل کرده‌اند.»

■ **موسیقی فولکلور شمال کشور**

مرآتی دربارهٔ موسیقی فولکلور شمال کشور گفت: «ببینید، اصطلاح موسیقی شمال، اصطلاح دقیقی نیست. باید بگویم موسیقی مازنی، یعنی موسیقی مازندران که خود نیز تنوعی دارد؛ به‌عنوان مثال علی‌آباد و موسیقی کنترولی بخشی از آن هستند. به‌دلیل هم‌رزی با استان گلستان، بخشی از موسیقی‌های دیگر نیز در این ناحیه تأثیرگذار بوده‌اند. استادان بزرگی در این منطقه فعالیت کرده‌اند. اگر بخواهیم شمال را صرفاً با توجه به این فیلم به مازندران محدود کنیم، باید در نظر داشت که در شمال ایران موسیقی گیلکی هم وجود دارد که موسیقی بی‌نظیری است. در خود گیلان نیز موسیقی تالش‌ی دیده‌ی‌شود. این موسیقی‌های ارزشمند در سراسر ایران پراکنده‌اند و نکته مهم این است که موسیقی‌های فولکلور عموماً سنتی و زنده هستند و به‌طور مستقیم با زندگی روزمره مردم در ارتباطند. این موسیقی‌هایش از آن‌که کسی بخواند بر اساس برنامه‌ای غیر واقعی آن‌ها را بسازد، در دل زندگی شکل گرفته‌اند. «موسیقی فولکلور شمال، به‌ویژه در سال‌های اخیر، از طریق جشنواره‌ها و اجرای استادان برجسته، توانسته است به گوش مردم در پایتخت برسد و خوشبختانه امروز موسیقی شناخته‌شده‌ای محسوب می‌شود. از منظر موزیکولوژی، ایران دارای یک تنوع در وحدت است؛ یعنی با وجود تفاوت‌های لایزنی و لهجه‌ای، همگی زیر مجموعه زبان فارسی محسوب می‌شوند. این لهجه‌ها در واقع عامل‌های صوتی‌اند که در موسیقی و آواز منطقه منعکس می‌شوند؛ بنابراین موسیقی فولکلور مازندرانی که در سریال هم مورد استفاده قرار گرفته، کاملاً با زبان و گویش محلی پیوند دارد.»

او دربارهٔ حس و حال موسیقی‌های شمالی و ویژگی‌های آن، گفت: «نکته

گروه کُر حضور داشت و با سازندگان این اثر همکاری می‌کرد. ترکاشوند پیش از این در «چک برگشتی»، با آریا عظیمی نژاد و سیروس مقدم کار کرده بود.

■ **پایتخت ۶**

پیش از آغاز فرایند تولید فصل ششم پایتخت، سید جلال محمّدی، نوازنده دوتار و سرپرست گروه موسیقی «آوای طبری»، پیشنهاد داد تا آریا عظیمی نژاد در پروسه ضبط موسیقی این فصل از صدای «زمان شکارچیان» استفاده کند که این مسئله با موافقت آهنگساز اثر قرار گرفت و باعث شد تا پس از فصل دوم، پای یکی از اعضای خانواده شکارچیان به سریال محبوب پایتخت باز شود. عظیمی نژاد در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر عنوان کرد که همکاری با زمان شکارچیان و همین‌طور باقی اعضای خانواده لذت‌بخش بود، چون «حس رهایی» عجیبی در موسیقی این خانواده جریان داشت. زمان شکارچیان در ابتدا قائل به همکاری با تیم پایتخت نبود، چون معتقد بود به علت می‌هری‌های زیادی که در قبل خدمت پدرش به او و خانواده واداشته شده، بهتر است که در این کار هم حضور نداشته باشد، اما در نهایت قبول می‌کند و موسیقی به‌عنوان یکی از نقاط قوت فصل کُر حاشیه ۶ به مخاطب عرضه می‌شود.

■ **پایتخت ۷**

فصل هفتم پایتخت در مسیر جاده خراسان-تاجیکستان و شیرگاه در رفت‌وآمد بود؛ چنانکه موسیقی نیز از این رفت‌وآمد میان کاراکترها و لوکیشن‌های نصب نماند و آریا عظیمی نژاد را برای بار دیگر به وادی تجربه‌گرایی با موسیقی نواحی و امتزاج آن با موسیقی ملل و ژانر پاپ کشاند. از زنده‌نام «دولتمند خائف» تا «میلاد قهاری» و «عبدالبصیر احمدی» و «مهدی کارگر خنار» در این اثر حضور یافتند و هنر خود را به گوش مخاطبان رساندند. در اینجا پای یک نکته ضروری است و آن این است که از حیث موسیقی مقامی، شباهت زیادی میان موسیقی دستگاهی ایرانی با موسیقی تاجیکستان و مقام‌های آن‌ها برقرار است؛ به‌نحوی که این هنر می‌تواند مرزهای موجود میان تاجیکستان و ایران را محو کند و طریقی نو در اندازد. مادر طول تماشای بازی قربان صابر و دیگر بازیگران این مجموعه در ریاضیت که از حیث فرهنگی تا چه حد با تاجیک‌ها قرابت داریم و آریا عظیمی نژاد با خلق ملودی‌های خود توانست این احساس نزدیکی را در فصل هفتم پایتخت به اوج خود برساند.



فره‌یختگان: «فره‌یختگان»:

جالبی که دیده می‌شود، این است که این موسیقی‌ها توانسته‌اند ارتباط نزدیکی با مخاطبان برقرار کنند. حتی کسانی که از استان‌های دیگر هستند یا در تهران زندگی می‌کنند، با این موسیقی احساس نزدیکی می‌کنند. اگر بخواهیم مسائل هنری و سخت‌گیری‌های مرسوم در نقد موسیقی فیلم را کنار بگذاریم، باید گفت که این آثار در ایجاد ارتباط با مخاطب موفق عمل کرده‌اند. این یک کار ارزشمند و جالب است که تولیدکننده و آهنگساز سریال توانسته‌اند چنین ویژگی‌هایی را در موسیقی به وجود بیاورند.»

■ **تنوع در عین وحدت**

مرآتی در ادامه دربارهٔ تنوع موسیقی فولکلور در ناحیهٔ شمال کشور گفت: «همان‌طور که در بخشی از صحبت‌های قبلی هم به این موضوع اشاره کرده‌بودم؛ در شمال کشور انواع مختلفی از موسیقی وجود دارد؛ موسیقی گیلکی و تالشی که متعلق به استان گیلان هستند و موسیقی مازنی که خود شامل بخش‌های مختلفی مانند موسیقی کنترولی می‌شود. کنترولی اکنون بیشتر در استان گلستان قرار گرفته است. استان گلستان نیز به‌دلیل حضور ترکمن‌ها دارای موسیقی‌های مستقل و خاصی است. بخشی از خراسان شمالی نیز در این ناحیه قرار می‌گیرد که با موسیقی‌های کردی، ترکی و تاتی شناخته می‌شود. اگر از شمال کشور به سمت غرب حرکت کنیم به مناطق آذربایجان شرقی و غربی می‌رسیم که موسیقی‌های آذری و کردی در آن‌ها رایج است. این مناطق تنوع موسیقایی کم‌نظیری دارند که در عین تنوع، یک وحدت حیرت‌انگیز را ایجاد کرده‌اند.»

■ **سازهای شمالی**

در خصوص سازهای رایج در موسیقی نواحی شمالی کشور نیز مرآتی توضیح داد: «از منظر سازشناسی، در موسیقی شمال کشور ساز نی نقش پررنگی دارد؛ همان‌سازی که در مازندران به آن «للاو» می‌گویند. این ساز در منطقه توسط استادان بزرگی نواخته می‌شود. در کنار نی، کمانچه و دوتار نیز اهمیت ویژه‌ای دارند. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، در مازندران و کنترولی بیشتر شاهد استفاده از سازها هستیم. در استان گلستان موسیقی ترکمنی با سازهای خاص خود دیده می‌شود و در خراسان شمالی نیز دوتار نقش پررنگی دارد. علاوه بر این‌ها، گروه‌های موسیقی در شمال ایران از سازهای دیگری همچون تقاره، طبل و سرنا استفاده می‌کنند. در گیلان، دو تقاره با عنوان «سُرکوتن» شناخته می‌شود. این سازها در کنار یکدیگر هویت موسیقایی این مناطق را شکل داده‌اند.»